

چگونگی صنایع کبیرین مکان در کل ظریف زمین و زمان

مطالعه

تصنیف جناب حکیم
مرزا محمد علی صاحب لکنوی
در جوهر و مغفوره با پنج نوم
ماه ذی قعد در روز
پنجمه ۱۳۰۳
قطر

در مطبع حسینی آشتا عشر باه تمام سید عبدالعلی طبع

مطب حکیم مرزا محمد علی صاحب مرحوم

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنهای که در امراض راس اصلاح و ماخ و غیره تجویز فرموده اند تقریب
صداع حار صغری کل بنفشه شش باشد گل نیلوفر شش باشد در عرق بیدارده پانزده
توله تر کرده صباح مالیده صاف نموده شیر و تخم کاهوی مقشره باشد شربت نیلوفر و توله
حک کرده بنوشانند تقویع مسهل معمول در صداع گرم و طبع ساقم و ذات العجب
تقریب چهار توله شیر خشک چهار توله مغز فلوس هفت توله در عرق بیدارده و عرق نیلوفر
و عرق شلیل تر نموده مالیده صاف نموده لعاب سبوز شش باشد شیر و تخم کاهوی
یک توله مغز تخم هندوانه شش باشد روغن بادام شش باشد اضافه نموده بنوشند
ضماد چهار گل سریع المنفع برای صداع حار و سرد ساقم گل بنفشه باشد گل نیلوفر
باشد گل سرخ باشد گل خطمی باشد سائیده شیر عورت یا بز یا گاو ضایع سازد ضما و اور
نافع صداع گرم برگ شلیل یک باشد برگ خطمی یک باشد برگ کاستنی یک باشد بوده

برگ بنیز قهقرو تا یک ماغه برگ خرفه یک شمش برگ بنفشه یک ماشه برگ کشتیز تازه هر چه
 از اینها بهم رسد ضواد سازند ضواد برای صداع باره و یا بونه چهار ماشه کلید الملک
 دو ماشه مزه نجوش دو ماشه در روغن گل ضواد سازند حریره جهت صداع حیکه
 از ضعف و ماغ بود و بسوس گندم شب در آب تر کرده نگاهدارند صبح کمر مالیده
 شیر بر آرد که اثر بسوس در آن نماند بعد در پاستیکه بچوشانند با دام مقشر پنج دان
 خشکاش ماشه و نشاسته بقدر حاجت همه را در آب سائیده بیندازند و باز بچوشانند
 هر گاه که پخته شود گلاب چهار ماشه و نه قافله صغار شش ماشه با هم سائیده داخل نمایند
 و قدی باز بچوشانند تا مثل حریره شود و بشرط حاجت شیر کشتیز ماشه شیر تخم
 کاهوی مقشر ماشه شیر معر تخم کدو چهار ماشه نیز اضافه نمایند برای کشتیز ماشه
 شیر ماده گاو نصف پا و آب شیرین نصف پا و سکه و دوام نبات و دوام شیر ماده
 جوش بیند تا آب شیر جذب شود بعد نبات و سکه آبیخته و شیر با دام اضافه
 نموده از آتش فرود آرد و بخورد تا دوهفته مداومت نمایند در آن سر
 کشتیز خشک ماشه تخم خشکاش ماشه با دام شیرین چهار عدد معر تخم کدو چهار ماشه
 نبات و توله همه را در عرق کیوژ و پنج توله و عرق گاو زبان پنج توله شیر بر آرد
 نبات و توله داخل کرده بنوشند الا تخم خشکاش شش ماشه طباشیر کیوژ ماشه
 ماشه و نه الا یکی سفید که ماشه چروغی توله معر با دام دو توله معر نیبه فانه توله نشاسته
 پنج توله گلاب خالص شش توله شکر سفید چهار توله روغن ماده گاو توله همه را کوفته و

در روغن مذکور مخلوط نماید نموده نهار بخورد و بالای آن شربت انار و لاتی بخورد ایضا
 برای آبله کچک در اندام میل یک ماشه کشته خشک دو ماشه طباشیر کبود یک ماشه آبله اخسته
 بر آورده سائیده آمیخته بخورد و بالای آن عرق کیوڑه هفت توله عرق گاوزبان هفت توله
 عرق عناب اشعاب هفت توله در میان آن مشیره خشکاش شش ماشه شیره کاهوش
 ماشه شربت انار و لاتی دو توله اضافه نموده تووری سفید یک ماشه پاشیده بنوشند
 برای ضعف و باغ بلبله مربی دو عدد و آبله مربی چهار عدد به مربی چهار عدد و ناسپاتی
 چهار عدد مربی سیب چهار عدد و آب گرم شسته ریزه ریزه کرده در بادون چوبله
 کوفته بجز کیوڑه پارچه بنیز نموده قند سفید سه وزن آمیخته بقوام آرنه ایضا
 شیر محرم کندی شیرین شش ماشه شیره مغز بادام شیرین دو درم شیر مغز حلخوزه
 دو درم شیر محرم سیباده دو درم خشکاش سفید مغز بادام دو درم و قوام شکر طکرده
 قوام غلیظ زرد گل گاوزبان دو درم برگ گاوزبان دو درم گل سیوتی دو درم پسته
 دو درم جوز بادام دو درم و آب میل دو درم طباشیر کبود دو درم قند نخل دو درم شیب ستر
 دو درم زرد چغالی دو درم اوویا کوفته نیمه بقوام آمیخته بستور جوش سازند
 درق فخره سه عدد فانی شیب شش سرخ آرنه ایضا مغز بادام شیرین
 دو درم شمشیر دو درم مغز پسته دو درم مغز گردوی شیرین دو درم مغز ترند دو درم
 مغز بادام دو درم مغز گردو گار دو درم تووری سیخ یک درم بهین سرخ
 یک درم بهین سفید یک درم قهاب مصری یک درم قاقل مصری یک درم

پوسته بلبل زرد و درم پوست بلبل و درم پوست آمله و درم سعد کوفی یک درم
 سنبل الطیب یک درم قزفل یک درم جور بویه یک درم اسپاسه و درم گل گاوزبان
 و درم گل سیوتی و درم کوفته بجمه سوزیمتی باب سائیده فند سفید ساحه آمخته
 بقوام آورده انداخته جوارش سازند برای تقویت دماغ شب یانی شبانه
 تناول نمایند صباح شیره تخم کاهوی مقشره شش ماشه شیره کشنیر خشک شش ماشه
 در آب گرفته شربت انارین دو توله حل نموده بنوشند الاضما برگ گازبان دو توله
 با درنجبویه توله سفید توله ابریشم خام توله شنب آب تر کرده صباح جوشانیده
 صاف نموده بانبات سفید یک نیم پا و بقوام شربت آرد مقدار دو توله تاسه توله
 در آب با در عرق غلب الثعلب یا عرق گازبان بوقت صباح حمیره مقهوی
 و ماخ ولزید است و با آرد نشاسته گندم چهار توله آرد نخود بریان چهار توله و غیره
 چهار توله و این شش سفید شش ماشه مسکه صاف شش توله شیره مغز بادام مسکه
 چهار توله نبات سفید چهار توله روغن زرد و بقدر حاجت زیاده کم هر چه مناسب
 و طبوع باسته در بنور رتب سازند و بر عایت ضعف دماغ اگر روغن کبد نیز
 داخل نمایند اول بود و الا تخم کاهوی مقشره ماشه و تخم کدوی شیرین نه ماشه کافیست
 خمیره گاوزبان عسبری تقویت دماغ و قلب کند و تفریح تمام آرد در او شش
 افام مالنجولیا، جفقان و ضعف دماغ دفع کند عنایت علقان را از ضعف دماغ
 تاب کلام و حرکت نبود باست حال این خمیره قوت در دماغ بدهد آرد در عرق

پیزده مذرورت یافت صفت آن برگ گاوزبان سه درم گل گاوزبان تولد
 شش ماشه کشیر خشک متشر تولد ابریشم خام سقرض تولد تخم بالنگو تولد همین سفید بود سفید
 تولد تخم زنجبیل که در شب یک نصف ماشه مرجان سه ماشه سوده در روغ عرقی
 نه ماشه کوفتی را کوفته شب در عرق بید خشک پاو ثار و عرق گاوزبان یک نیم پاو و عرق کیوژ
 پاو ثار تر نماید صباغ بچوشانده هر گاه سوم حصه باقی ماند صاف نموده نبات خالص
 نصف پاوشده خالص نیم پاو داخل کرده قوام نماید و مرجان سوده و در روغ عرقی
 در میان قوام داخل سازند و آخر قوام غلیظ حل سازند ورق طلا شش ماشه
 ورق نقره نه ماشه اضافه کرده حل سازند هر چند حل شود بهتر قدر شربت از درم تا دو
 درم و سه درم از عرق گاوزبان پنج تولد عرق کیوژ سه پنج تولد همچون مقوی نل
 و دو مانع و شستی مرابای آنکه نصف پاو مرابای سفید پاو مرابای بی نصف شد
 مروارید ناسفته پنج ماشه مرجان پنج ماشه ابریشم سه ماشه سفید چار ماشه سفید
 چهار ماشه زرشک همدان شش ماشه کهرابی شمس شش ماشه گل گاوزبان هفت ماشه
 طباشیر کیوژ چهار ماشه پوست ترنج شش ماشه مشک خالص ده ماشه زعفران سه ماشه
 مخمر تخم گودی شیرین هفت ماشه کشیر خشک چهار ماشه مخمر تخم باورنگ هفت ماشه
 خود سیاه نیم پاو و شربت امار شیرین نصف پاو سفید و ورق نقره نه ماشه
 اول مروارید کهراباز زعفران مشک در عرق کیوژ خوب کهرل نماید بعد قند را قوام
 ساخته ادویه مع مریات آمیز نموده ورق نقره بدستور حل کرده نگاهدارد شربت شش ماشه

با عرق کیویزه چسپار توله بخورند همچون که برای قوت باه و دل و دماغ و جگر
 و معدی بی نظیر و ناغص و سرد بخار قلب مایع و دافع و سوسه سوداوی و خفقان تها
 برای ریغ طیفان مرتب شده و فائده نامه بخشیده صفت آن صندل سوده چهل
 مرورید سوده سه ماشه فادزهر معدنی سه ماشه هر یک بگللاب سوده گاوزبان چهار
 گل گاوزبان چهار ماشه گل سیبونی شش ماشه گل گله رخ شش ماشه پوست تربیخ شش ماشه
 زرشک بهمانه شش ماشه عود غرق شش ماشه کشته تر قشقه نه ماشه زرنب شش ماشه
 قرنجسک شش ماشه درونج نه ماشه برگ بلورنجبویه شش ماشه برگ پودینه شش ماشه
 دانه سیل خرد شش ماشه مصطکی رومی سه ماشه سنبل الطیب شش ماشه سافوج هندی
 شش ماشه قرنفل سه و نیم ماشه مشک یک نیم ماشه مرابوی آمله بنارسی پنج عدد دریا پود
 چهار عدد و شربت انار شیرین و دتوله شربت بنفشه چهار توله شربت الکوی بخار شش توله
 شیر مرابوی بی چهار توله قد سفید یک تار گلاب پانزده توله عرق کیویزه پنج توله بدستور قوام
 سازند مقدار شربت شش ماشه منصفج در حالت صحت بر عایت تنقیه و مایع غلاب
 بهمت دانه پستان پانزده دانه اصل السوس متعشر شش ماشه گاوزبان شش ماشه
 غناب المصلب شش ماشه اسطوخودوس و سن و ماشه عود صلیب دو ماشه گل بنفشه
 شش ماشه گل نیلوفر شش ماشه یخ کاسنی نه ماشه موزیر منقی ده دانه الکوی بخار ده دانه
 تخم خیار بن نه ماشه شب در آب تر کرده صباح جو شانیده صاف نموده شربت بنفشه
 حل کرده بنوشند در مسهل جلا اجزای منصفج بدستور الا شربت بنفشه موقوف نموده شود

طلسم چهارشنبه شش تولد ترکیمن سه تولد شیرخشت سه تولد شربت سنا و عن بادام شیرین
 شش باشد دو پرتاب موندگ شام کبوتری خوب بهای تنقید و ماغ سسنبیل لطیب باشد
 و ارجینی باشد سیلخه باشد حب بلبلان باشد مصطکی باشد اسارون باشد زعفران باشد
 صبر زرد شش باشد او و یک کوفه بختیقه بقدر سه باشد یا چهار باشد بقرق با دیان بلع نما
 ایضا برای تنقید ماغ جلا پاشش باشد حب البیل شش باشد سنا تکلی شش باشد گلشن شش
 صبر زرد شش پوست بلبله کبابی سه باشد پوست بلبله زرد سه باشد بلبله سیاه سه باشد کک سنا
 سه باشد کوفه بختیقه بر وزن بادام چرب نموده باب نمیزنوده خوب بقدر خود بسته نگاهدارند سحر
 برای سرسام حار آب خیار پنج تولد آب کشیز دو تولد آب کروی و راز چهار تولد آب کاکلک
 سه تولد آب برگ خرفه دو تولد گل طنائی سه باشد طباشیر کبود باشد گل ارمنی دو و ماغ صندل سفید
 چهار باشد صندل سبز دو باشد تخم کاهوی هفت شش باشد عرق کبوتر پنج تولد کافور فالص
 باشد عطر خس یک باشد عطر گل یک باشد آمیزه برستور نخلی سازند لطلول برای تنویم
 در رخ سرسام بجز بقرموده اندک نغشته پنج درم کاهو پنج درم پوست خشخاش
 پنج درم تراشه کزنده درم بابونه ده درم کشک جو پنج درم همدر آب پزند و شیر گرا
 آب را بر سر ریزند **اصف علی الراس للتویم گل نیلوفر چهار تولد گل نغشته چهار تولد جو**
نیکوب چهار تولد تخم خشخاش سفید دو تولد نیکوب تخم کاهو نیکوب دو تولد بابونه دو تولد در آب
جوشانیده صاف نموده نطول نمایند موم مغز کروی شیرین نه باشد تخم کاهو نه باشد
مغز تخم ترزنده باشد تخم خشخاش شش شش باشد کوفه بختیقه بر پارچه کف فرس کرده

بدستور بالیده صاف کرده بشیره با دوام و اطفال ساخته نوشند عسول برای شش
 صرع داشت غسل تجویز فرمودند گل بابونه خشک سه توله سیوس گندم پنج توله غنچه شنب
 پنج توله آب جوشانیده صاف نموده سر بز و وی بشویند و از جامه معجل پاک سازند
 اطریفل باغ و معده را از مواد غلیظه پاک کند و قفس را دفع سازد و دفع بواسیر و بواسیر
 فائده دهد انجیر زنده است و آن زوقامی خشک توله گل بنفشه دو توله اسطوخودوس توله
 موزیتقی پنجاه دانه پوست بلبله زرد پنج توله بلبله کابلی پنج توله بلبله سیاه پنج توله کله
 پنج توله سناسگی پنج توله معقل ارزق نه ماشه کشمش زرد پنج توله کوفته نیجه دروغن
 چهار توله غسل مصفی ستودن اطریفل سازند و بعد چند در استعمال نمایند سر آمد و
 جلوه پوست چند پنج توله شنب دو توله گل بابونه خشک توله برگ کرم پنج توله گل غنچه
 پنج توله در آب جوشانیده دستها در آب نهند حسب ایارج برای تنقیه در مخصوص
 حب بلبلان یک کاشه عود بلبلان یک کاشه اسارون یک کاشه سیلخه یک کاشه دار چینی
 یک کاشه صبر زرد چهار کاشه مصطکی رومی یک کاشه زعفران یک کاشه کوفته نیجه سفوف
 سازند نسخه ایارج فقیر اثر بد سفید شش ماضه خراشیده بخورد غار یقون شش
 حب بلبل شش کاشه پوست بلبله زرد چنار کاشه پوست بلبله کابلی چهار کاشه بلبله سیاه
 چهار کاشه گسرخ چهار کاشه کوفته نیجه بز و عن بادام چرب ساخت آب خمیر کرده
 بقدر خود خوب سازند اطریفل تخم شاه تره توله برگ گاوزبان چهار توله صندل سفید توله
 آوی چهار دانه گل بابونه سه توله تخم کاسنی چهار توله گل سیمون دو توله برگ کله

کتوله مویز منقی نصف پاؤ کشمش پنج توله عناب و لایقی میل دانه در آب تر کرده بوشانند
 نالیده صاف نموده رفته رفته سه روزن آینه بقوام آورده پوست بیلیدند رو پنج توله
 کشمش خشک پنج توله پوست بیلید کابلی پنج توله پوست بیلید سیاه پنج توله آینه منقی پنج توله
 کوفته خجسته بر روغن بادام جو بکوده در توام مذکور آینه برستور اطریفل تیار سازند
 ایضا پوست بیلید زرد پنج توله بیلید سیاه پنج توله بیلید کابلی پنج توله کشمش خشک
 پنج توله مویز منقی پنج توله تودی گلگون سه توله تودی اصغر سه توله تودی البه
 سه توله بجن سرخ نصف دو توله بجن سفید نصف دو توله کوفته خجسته پارچه تر کرده
 شب در روغن مقرر حکم کردی شپرن سه توله زو عن کشمش خشک توله روغن خستخاش سفید
 سه توله روغن خستخاش سیاه سه توله روغن بادام سه توله روغن تخم کاهوی مقطر
 سه توله تر کرده روغنمازاد و سایه جذب ساخته در قند سه چند یا یک حصه غسل دو دو
 حصه قند اطریفل تیار سازند و ورق نقره هفت عدد ورق طلا هفت عدد در اجتناب
 بختن عمل سازند بر امی لقوه و فالح و اصلاح جمیع بدن اسطوخودوس
 چهار ماشه بادرنجیویه چهار ماشه بادیان چهار ماشه بخیا دیان چهار ماشه پوست بیکاشی
 شش ماشه زنجبوش چهار ماشه قنطاریون سه ماشه برگ گامدیان چهار ماشه
 گل نرفته شش ماشه اصل الیوس مقشر چهار ماشه مویز منقی چهار ماشه
 پنج بلویه پنجاه ماشه خشک را شش ماشه بنگ کابلی شش ماشه تخم خلی شش ماشه
 تخم نیلوز شش ماشه شرب عرق عناب اشلاب پائزده توله عرق گاوزبان

پانزده تولد خوب بند جمع با مناد گلخانه قابل نه تولد خوشانیده بالیده من و نه بوده
عروصلیب یکجود پاشیده نوشتند برای نه بید ولادت اما بشود در دو
تویز شربادو یا نه چهار یا شش پرمیا و شان چهار ماشه برگ کاو زبان چنان باشد معلوم بود
چهار ماشه باور نجوید ماشه ماشه اصل سوس مقرر چهار ماشه و عرق غلب پاد و نه
جوشانیده بالیده ممان نموده نبات تولد ریخته جوش و **منصف اللؤلؤ مطبوخ**
چهار ماشه باربان نکوب چهار ماشه پوست بیکاسنی شش ماشه باور نجوید چهار ماشه
سوزنی و نه و نه خشک ماشه ماشه عرق کاو زبان پانزده تولد
پانزده تولد خیسانیده جمع با مناد قابل نه تولد خوشانیده همان ساخته
حسل فاعل چهار تولد زیز سوس دو ماشه سوده آمیزه نوشتند بفرود
و سهل این اجزا دانند پانزده قندوس خیار شش تولد ترنجبین خراسانی
شش تولد گلشن آفتاب چهار تولد و عذرا حاجت توپ سنا مکی نه ماشه
نه ماشه اصفه نایب پرامی **سبلوج صفراوی مزاج پوست بیکاسنی**
شش ماشه بر کاو زبان چهار ماشه تخم خطمی شش ماشه بل نهفته شش ماشه
اصل سوس مقرر چهار ماشه آب تازه پانزده تولد تروده گلشن آفتاب
کنجین نهاده سه تولد حل نموده نوشتند **منصف پامی مولو بلغیب**
صفراوی غلب شش ماشه پوست بیکاسنی شش ماشه
باو زبان نکوب چهار ماشه اصل سوس مقرر چهار ماشه برگ کاو زبان شش ماشه

حوالتی که در وقت خواب در دهان می آید و در وقت بیداری پانزده توله شب در
 عرق عنب پانزده توله عرق گاو زبان پانزده توله گرم تر نموده صبح مالیده صاف است
 گلخانه آفتابی شده توله حلو که شیر گرم بنوشند برای قلع مواد بلغمیه
 کلابیچه اسطرخودوس چهار ماشه بزرگ گاو زبان چهار ماشه باد بکبویه
 چهار ماشه پوست بیکاسنی شش شش ماشه باد بیان نیکوب چهار ماشه اصل السوس مقطر
 چهار ماشه مویز تنقی پانزده وانه تخم مصلی شش ماشه گل نغشته شش ماشه
 انیسون چهار ماشه عود صلیب چهار ماشه بسفاج فستقی شش ماشه انیسون
 شش ماشه سنا کلی توله چهار و بیان چهار ماشه شب و ر عرق عنب الثعلب
 نیم آمار عرق گاو زبان نیم آمار حبانیده صبح با صافه گلخانه آفتابی سه توله
 جوشانیده مغز فلوس چهار شش شش توله ترنجبین خراسانی پنج توله
 حلو و صاف ساخته شیر بادام شیرین بهفت ماشه ریخته بنوشند تا دو پیر
 عوض آب عرق گاو زبان دو پیر آب نخنی شام شام طعم تناول فرمایند
 برای لکنت زبان طغوقا قرقر حایک ماشه نوشادر ماشه
 سورنجان یک ماشه جوز بویا یک ماشه بسباسه یک ماشه صبر زرد یک ماشه یک ماشه
 یک ماشه عود صلیب یک ماشه زبد البحر یک ماشه اسپند یک ماشه کوفه تحت
 بر زبان مالند شخص را با بعد تنقیه لقمه داشت ضعف شده بود این
 نسخ تجویز فرموده بود عود صلیب سه ماشه خود خورده سه ماشه در چینی یک ماشه

عیناً و شیب یکسخت باخته عیناً روی سبب شده و آنکه بیست شش داشته که در بخت شش
پیش از آنکه صفوف خانه سازه بخورند و محتب آن بوق با و میان سبب توله عرق کافور و
سبب توله شربت بزوری محتبل و توله شیب ناس توله حل کرده نیکم نوشند
سختیهای که در امراض چشم تجویز فرمودند و نیز ترکیب جهت
و در چشم و در آن ایسوی کاغذی یک عدد و اینون خالص شده در
شب کافی دو ماشه اول شب را در ظرف آهنی بریان کرده و بعد از آن
اینون داخل نموده آب لیمون قدری نیز داخل نموده از دست آهنی
حل سالند تا مخلوط شود و آب لیموی ناپسند شود بعد از آن همین اسلوب
آب لیمو داخل ساخته باشد خوب وجه مخلوط شود خوب بسته نگاهدارند وقت
حاجت باب سائیده اندکی گرم نموده گذرد اگر چشم طلا نماید لکری و چاکش
شش ماشه پوست انار شیرین شستن ماشه زرد بجز پنج ماشه پوست پلید زرد
و ماشه پشکری بریان دو ماشه رسوت و ماشه گل یعنی دو ماشه باب شیب زرد باریک
سوده نیکم باله و پیرامون چشم صفا و نماید لکری و اجار زمین بهنید و باخته
طوطیا بریان دو ماشه لوده پنهانی چهار ماشه پوست پلید زرد و ماشه پوست
دو ماشه پشکری دو ماشه بریان نیکوب نموده در پوئی بسته عرق حنیا شیب
شکرده بالای چشم بگرداند طلا سے رده صغراوی پلید سید شش
کافور و سرخ زعفران یک سرخ باکلاب سائیده طلا سازند صفا و رده

در سوی و صغیر از می در شب بانی یک ماشه کیر و یک ماشه حفص هندی یک ماشه
ایون سه صرخ زعفران یک نیم سرخ فدا آب سووه نیکرم برود چشم مندان
ماگرو آب برگ کشیده تر کنزادلی علی ج ر در تریله سه حصه صندلس سرخ
پارچه منتر ما کپش پنج حصه همه را با یک بسایند و پارچه بنیر سووه آب برگ تر هندی
صوبه حاننده در سایه نگاه دارند وقت حاجت آب سرد حکر و ده چشم کنند و تقوی
کارش در دفع شود و آب باز مانده حرارت برود و بصارت افزاید برای آید
تر هندی خشک اند بر آورده در آب تیر سازند بعد ملیده آب صاف گرفته ایون تقوی
سه سرخ شب بانی پنج سرخ سیانی در آب تر هندی انداخته در ظرف آهنی بپزند
که آب غلیظ کرده و آنرا در صوف نگاه دارند و طلای کرده با سفند و اگر تر سنده
بوست نیامد آب برگ تر هندی گرفته بدست و طلا سازند سه را سرخی چشم بوده
از سوی آب سرخ روان این دو را تجویز فرمودند و الاخون یک ماشه پاه یک ماشه
پشگری بیان یک ماشه بلبل زرد یک ماشه ایون چهار سرخ زعفران یک سرخ
باب عنب الثعلب بنر سائیده اندرون چشم و بالای آن صناد سازند گل سفش پنج
پایله بر یکید و مر بسته بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب هفت توله نیم گرم
الصن زید البحر یک ماشه حفص هندی یک ماشه پشگری بیان یک ماشه
پوسته پنجه در رو یک ماشه گل ارمنی هفت ماشه دم الاخون یک ماشه ایون یک ماشه
زعفران یک ماشه باب عنب الثعلب بر حکر و ده و چشم کنند و بالای آن فدا

سازند ایضاً دم الاخوین صمغ عربی خنثی اش سفید نیرا البنج سفید و غیره
سائیده بر کاغذ سوزن زود چسپانند و بالای صغین چسپانند برای اصاب
ماورویه چشم برگ شایسته چهار ماشه پوست بلبل زود چسپانند که برای شمس
چهار ماشه بار یک سائیده بر پیله که نه نهاده فقیه بسته بر دهن کند و در وقت دور
چشم کشند برای صغ غلین از نزله صمغ عربی یک ماشه کثیر ایلیا ماشه دم الاخوین
یک ماشه گل ارمنی یک ماشه تخم کاهوی مقشر یک ماشه تخم خشکاش سفید یک ماشه غلین
یک ماشه نیرا البنج یک ماشه تخم کتو هر سائیده بر کاغذ سوزن زود کرده طلا نموده
بر شقیقه چسپانند بوجع العین من تحریک نزله صغین سفیدی شمش ماشه
افیون سه ماشه قر نفل یک ماشه شب یانی سوخته نه ماشه شب یانی شمش ماشه
در عرق غلبه شلب سووه شیر گرم ضاود نمایند کمر و انحصار من تحریکها رسوت
شش ماشه پوست بلبل زود شش ماشه گل ارمنی شش ماشه افیون سه ماشه
قر نفل یک ماشه برگ تر بندی شش ماشه شب یانی سوخته شش ماشه و آب
سووه ضاود نمایند بوجع العین ادا العی و العین بوجت تحریک نزله رسوت
شش ماشه افیون چهار ماشه زعفران یک ماشه شب یانی سوخته شش ماشه
و آب سووه شیر گرم ضاود نمایند برای درد چشم تحریک نزله سفید کاشتر
یک ماشه رسوت یک ماشه لوده پشمانی یک ماشه پگری بیان یک ماشه گل ارمنی
یک ماشه افیون خالص سه ماشه زعفران دو درقه آب غلبه شلب نیرا یک ماشه

سائیده نیکم بالای چشم ضما و سازند و اندرون هم کشند ایضا پوست بلیله زرد
و دوماشه زیره سفید و دوماشه پوست خشک و دوماشه پاه گبرانی و دوماشه بلدی و دوماشه
گل ارمنی و دوماشه نیله توتنه بریان چهار سرخ نیکوب در پوئلی سبته در عرق ^{التخلب}
گرم تر کرده بالای چشم گردانند ایضا گل ارمنی یکا شه رسوت یکا شه دم الاخوین
یکا شه شب یانی یکا شه بریان افیون چهار سرخ زعفران یک سرخ در آب
عنب الثعلب بنبر سائیده بالای چشم ضما و سازند ایضا پوست بلیله زرد و توله
پوست بلیله توله امه متقی توله کثیر خشک توله عنب الثعلب توله در آب جوشانیده غرغره سازند
ما انضاب نزله و در چشم و حمرت آن زائل شود ^{مسخ} گل خام برای شقیقه
و فغ کرانی سرد کرانی چشم رسوت خالص یکا شه گبردیگه دوماشه افیون و دوماشه زعفران
سه سرخ صمغ عربی و دوماشه ادویه بلعاب بیدانه سائیده بر کاغذ دور که سوزن
طلا کرده بر شقیقه چسباند ^{ضما} و که بر چهره از ترله اما س شده باشد گیر دو دوماشه
جودار و دوماشه فلوس خیار شتر توله در عرق عنب الثعلب بنبر سائیده آسخته
ضما و نماید چشم رسوت یکا شه شب یانی یکا شه گبردیگه دوماشه زعفران و سرخ
افیون یک سرخ پوست بلیله زرد و دوماشه در آب سائیده گرد چشم ضما و سازند
سرمه ^{سپاه} حبت سه ماشه مایه اند چینی دو ماشه پوست بلیله زرد
دوماشه زبدالجود و ماشه باب باران کحل سائنته نگاه دارند و در چشم کشند
ایضا مروارید سخته چهار ماشه ما میران صنی چهار ماشه پوست بلیله زرد چهار

بنگ صلاب کرده خشک نموده در چشم کشته **القصا** سر سبز میوز حکم الملوک
 سر ز صغفانی مار قشیشای چهار درم اقلیمای رضی دو درم بسد دو درم ساون بسد
 یک درم هر واریدنا سفینه نیدرم زعفران نیدرم مسک چهار سرخ انجن که جمیع اینها
 نافع است بیل دو توله سرب دو توله شصت و چهار پاس کحل نمایند **القصا** سرب دو توله
 پسیل دو توله شوره قلمی سه ماشه مایران چهار ماشه خوب بار یک سائیده کحل نموده بکا
 برند برای رفع درد چشم و شکر آن رسوت چهارده ماشه شب بانی چهارده ماشه
 توتیای خام چهار سرخ افین چهار سرخ بنگ همه در آب خوب بار یک سائیده نگاهدارد
 بوقت ضرورت یک میل ازان تر نموده در چشم اندازد **القصا** مایران چینی سه ماشه
 چاکسوق شکر سه ماشه پوست بلبله زرد سه ماشه مار قشیشای زهری سه ماشه حبت چهار ماشه
 و آب برقی نموده خسته خورماد و ماشه سوخته سر سبز سیاه توله سه روز متوالی در آب بکا
 کحل نموده بکشد سر سبز نگاهدارند طیار نموده **القصا** هر واریدنا سفینه چهار ماشه مایران
 چهار ماشه پوست بلبله زرد و چهار ماشه در آب بنگ کحل نموده نگاهدارند جهت تقویت
 چشم برای چشم یک سوزان بود تخم خشکاشس و دماشه تخم کاه بود و ماشه
 کثیر چهار ماشه صمغ عربی دو ماشه نشاسته دو ماشه افیون یک ماشه گل ارضی دو ماشه
 زعفران دو سرخ در آب پالک سائیده گرد چشم ضار بپزند کاجل جهت بیاض و
 سیل و تقویت بصر و دیگر امراض بسیار نافع مایران یک ماشه قر قزل یک ماشه
 در شیر بکوشند و در سایه خشک نمایند سنگبری یک ماشه سر سبز سفید یک ماشه

در روز یکشنبه یک ماشه زرد چوب یک ماشه پنجه گلاب یک ماشه مرقم که در یک ماشه کونسل یک ماشه
 کونسل یک ماشه یک ماشه سبزه را بار یک سو در دروغن ماده گاو سه روز خمیر نمایند بعد از آن
 فسیله از پارچه مرغ چراغ روشن نموده کاجل در چینی خام بگیرند و بعد کبر و در چشم کشند
 کحل حبه بیاض و در معده و ظلمت و خیالات ابتداء نزول و نشفت رطوبات و تقویت چشم
 سرمه و ماشه استخوان خراسوخته سه ماشه سازج بندی یک نیم ماشه نشاسته هفت ماشه
 ملا به نموده در چشم کشند **اصطفا** سرمه صفحانی پنجه توله مروارید پنجه ماشه مامیران پنجه
 سنگبری پنجه ماشه رتن جوت یک ماشه شوره قلمی توله کباب چینی شش ماشه
 در عرق باویان یا گلاب یا ترپله پنجه توله تمام شب تر نموده صباح در عرق آن
 کحل نمایند دو سه روز خوب کحل شود **مش** سیاه کافور بهیم سینی
 شش ماشه سیسه پنجه توله پسته دو عدد کوفته بخت در کحل خوب بسایند قوت باصره
 و امراض چشم را دیده میشد که مفید افتاد برای **سبل چشم** و نزول و جال و بهول
 و حریت و و دیگر مفید مامیران سه ماشه شب بریان دو ماشه کفدر یا سه ماشه سنگبری ماشه
 مروارید ناسفته چهار سرخ سرمه صفحانی دو ماشه رتن جوت سه ماشه همه را
 دو از ده پاس کحل نموده نگاهدارند سرمه که در خوبی نظیرند او و استعمال آن
 قدر عینک از نظر اندازد و بعد **قسم اول** دو دام قر نفل دو دام نفل گرد چهار دانه برگ نیم سبز
 پاوشار سنگ بصری دو دام **سنگ** چولانی دو دام برگ کبلیوارده عدد کلان **سبز**
نیم قر نفل و نفل را علییه طبعه در آب بار یک سائیده در پیاله جدا جدا نگاهدارند و بعد

جسد را در پیاده آهنی با تشش نرم گذاخته در آب قمر غلج هفت بار سرد کند همین دستور
 هفت بار در آب فلفل سرد کند باز گذاخته بدستور اول در آب گمیگوار سرد کند هفت مرتبه
 باز بگذارد و باد استه آهنی در میان پیاله آهنی حل کنند تا که جسد مذکور خاکستر گردد و بعد از آن
 مایه آن و سنگ بصری ساخته و داخل نمایند اگر خواهند که سرد سیه شود بزرگ نیم
 و سنگ چولائی که مذکور است با دو دام فلفل کرد و مخلوط چهار دام در وقت که غنق جسد
 داخل نمایند آن خاکستر را با دو روز زیر سنگ صلابه سازند که سرد شود پس هر روز
 کرده صبح و شام در چشم کشیده باشند در هوای گرم یا سرد سفید نکند و در هوای سرد
 مشرب سیه نکشیده باشند ترکیب دیگر که درت چشم برود دیده را در و شش سازد
 بولی سرد و توله در آتش نكشت نماده اول بار در بول ماده گاو نازانیده سرد
 نمایند بعد از آن هفت بار در جمرات ماده گاو گرم نموده سرد کند پس از آن
 هفت کرت در آب تر تله سو نمایند بعد از آن در کمرل سحق نماید که سرد
 کرد برای امراض چشم و حرارت آن مفید و مجرب **شخصی را که باعث**
تمازت آفتاب چشمان او سرخ شده بود این ترکیب مفید افتاد و توله لیل
دو توله آله و توله جدا جدا کوفته بخت بعد از آن بر سه را با هم پار کرده در قدری آب
حل بود و پیچ مخلو ج نرساخته در سایه خشک کرده در روغن شست جیرا غر شش
کرده سرد حاصل نموده بکار برده بسیار مفید است ترکیب آخر جهت قوت
بصارت بسیار نافع است چهار توله سنگ بصری پنج توله مروارید و توله مایه اشما

ورق طلا شش ماشه مرجان بکتوله غیر از طلا جمله دعا را همیشه روز با احتیاط تمام
 اول باب بلبله بعد از آن بچلاب برسنگ ساق یا چمناق صلا به نایند و روز نهم
 او راق طلا داخل باید ساخت و سحر باید کرد تا تمام نه روز شود نگردد و
 بمیل در چشم کشند و شرط است که در حال استلا معدنه نشه آنرا هرگز استعمل
 نشازند ترکیب سمرمه که نظر بازان زمانه پنجم آن ندره دورین وید باشد
 سمرمه یک ماشه قرغزل دو ماشه سنگبری یک ماشه زبد انجریک شمع مرغ سیا
 یک ماشه توتیامی سبز یک ماشه نوسا در یک ماشه شب یاسنی یک ماشه پاه یک
 ننگ لاهوری شش ماشه کانور یک ماشه رتن جوت یک ماشه ترمی پنج ماشه مصری
 سه ماشه باوام یک ماشه طفل پنج دانه طویلی با رونی دو ماشه چاکسو پنج ماشه
 کباب چینی یک ماشه سرگین کبوتری جنگلی یک ماشه سرب توله شوره غلی دو ماشه
 تخم سرس پنج دانه شیشه آینه علی پنج ماشه نیره سیاه پنج ماشه سماگ
 پنج ماشه مردار سنگ ماشه لوده پهبانی پنج ماشه صدف دریا پنج ماشه
 عینی رکابی شکسته پنج ماشه بلبله زرد پنج ماشه بلبله پنج ماشه انگشت بیول
 پنج ماشه بلبله زنگی پنج ماشه سرگین کنجنگ غلی پنج ماشه تخم کهرس پنج ماشه آله چاشنی
 گونگی پنج ماشه در گلاب قسم اول کهرل ناسند تا سر مه گردد و در روغ
 که بود کان بسیار فتر لوده چهار ماشه پشگری دو ماشه مردار سنگ ماشه
 آینه بلدی دو ماشه انیون دو دانه سیاه مرغ چهار دانه نیله توتیامی سه ماشه

بمهر بادریک سائیره در پانزده بند و در آب سرد و با در آب کوکنا در بارند
و چشم گبروانند چنانچه متعارف است و زوری که حبت و دفع در چشم لطفا
و دفع نعل صلابت اجفان آنها نافع از دوت سرخ یکوزاگر بر باشد بهتر
والا ساده هم کافی است و معمول سنگبصری و چاکسوی مقشه چهارخو
از سوزند و پلکها بر داشته پکنند و بند کرده بالای چشم مالیده از ناگرم
و شکر دروغن درست کرده گذاشته بر فاده بر بندند اگر گرسه غالب شود
و نسکین زیاد و مطلوب باشد بر گما و شاخهای نرم نار سبده بجای آن
مالیده بر چشم بندند برای طفل هشت ساله که بعد حرارت چشم سرخ و آت
این تبرید و ضاوت جویند تخم کاهو مقشر پنج ماشه عناب لاتی سه دانه گل نبشته
سه ماشه تعرق عناب لعلب پانزده توله مالیده صاف نموده شربت نبشته توله
حل کرده نیکم نبوشند ضما و حنض بندی چهار سرخ گل ارمنی چهار سرخ
پهشگری بریان سه سرخ زعفران یک سرخ باب عناب لعلب سائیره نیکم
اندرون چشم و بالای آن ضما نمایند برای زکام لعاب بهدانه سه ماشه
آب عناب پنج دانه شیر و تخم خلی نه ماشه در عرق عناب لعلب شش توله عرق وزبان
بر آورد شربت نیلوفر و توله ریخته شیر گرم نبوشند برای تکر یک نزل
و حرارت و وجع الراس گل نبشته شش ماشه گل نیلوفر شش ماشه تخم خلی
شش ماشه عناب پنج دانه سپستان دو ازده دانه تخم چارین نه ماشه نیکوب

شب در عرق عنب اقلب ده توله عرق گاوزبان ده توله گرم خیسانید ماییده
 صاف ساخته شربت نیلوفر ده توله حل کرده شیر گرم بنوشند قانده اگر زکام دسرفه
 هم بود این تریب سفید شیر و پنجهش چهار ماشه در شیر عورت سائیده کثیر خشک باشد
 در عرق عنب اقلب پانزده توله بر آورد شربت بنفشه ده توله حل کرده بنوشند
 و مرزنجوش در شیر عورت سائیده در بینی چکانند گل ارمنی چهار سرخ افیون حار سرخ
 زعفران چهار سرخ نعنع حبیب چهار سرخ لیز چهار سرخ رسوت چهار سرخ
 سائیده در سفید سفید سرخ سرشته بر کافور مشک گذاشته بر صد غنیم گذارند
 و اگر زمین کار بر نیاید منفع داده سهل دهند برای ورود حلق از تحریک نزد
 عنب اقلب شش ماشه گل بنفشه شش ماشه گل خطمی شش ماشه برگ گاوزبان
 پنج ماشه عناب پنج دانه سپستان ده دانه بهراندک ماشه شب در عرق عنب اقلب
 ده توله عرق گاوزبان ده توله گرم خیسانید هیچ صاف نموده شب نیلوفر ده توله
 حل کرده شیر گرم بنوشند برای ورود حلق گل فوغل دو ماشه جود و ماشه گل ارمنی
 سه ماشه باب پاک بنبر سوده خندانید برای ورم لہات برگ توت شش ماشه
 عنب اقلب هفت ماشه پوست ختنخاش سفید چهار ماشه گل بنفشه شش ماشه
 در آب جوشانیده صاف نموده غرغره سازند غرغره عنب اقلب شش ماشه
 تخم خطمی شش ماشه پوست ختنخاش سفید سه عدد در عذبه نه ماشه مدین مسلم توله
 حلخوشش ماشه در آب جوشانیده صاف نموده شیر گرم غرغره نمایند

نما و جفن بندی شش ماشه مغز فلوس خیار شنبلیله در آب حنب اشک
 سوده شیر گرم صناد نماید خوب برای رفع نزله مغز بادام شیرین یک ماشه
 مغز تخم کدوی شیرین یک ماشه تخم ششاش سیاه چهار ماشه تخم ششاش سفید
 پنج ماشه نذر البنج چهار ماشه برگ گاو زبان یک ماشه کربابی شمعی یک ماشه
 دم الاخون یک ماشه گل ارمنی یک ماشه شکر تعال یک ماشه ربل سوس یک ماشه
 صمغ عربی یک ماشه کوفته بخته افیون خالص چهار سرخ باب حلک و دودیه
 آبیخته ورق نقره چهار عدد و آبیخته بدستور خوب بقدر نخود سازند برای اصلاح
 این اجزا تجویز نشد مغز بادام شیرین یک ماشه تخم ششاش سفید یک ماشه
 جدواریک ماشه جوز بویه یک ماشه بسباسه یک ماشه گل گاو زبان یک ماشه گل سوس
 چهار ماشه کتریک ماشه صمغ عربی یک ماشه مغز تخم کدوی شیرین یک ماشه مغز تخم بادام
 یک ماشه مغز تخم ترنجبیک ماشه کوفته بخته افیون برابر دودیه باب حلک و دودیه
 آبیخته زعفران دو ماشه سوده جها مختلف سازند ترکیب افیون مرکب
 برای نزله فلفل سیاه سه ماشه فلفل دراز سه ماشه نذر البنج سه و نیم ماشه
 عاقر قرحا دو ماشه فز فویون سه و نیم ماشه فلفل سفید سه و نیم ماشه چاماسی سه
 سه و نیم ماشه جندبیر سه و نیم ماشه مایه شهر اعراب سه تا باشد غسل بخالین
 موافق قوام ورق نقره ده عدد و دردی طلایه ده عدد شود با قوام کرده آبیخته
 اجزا را سه مرتبه سانود و در افیون داخل کرده همچون سازند جهت اصلاح